

گزارش «وطن امروز» از فاصله ادعاهای آمریکا با واقعیت‌های شبکه پیچیده فروش نفت ایران در دوران محاصره دریایی

افسانه «فروش نفت صفر»



گروه اقتصادی: چند وقتی است یک گزاره در برخی محافل سیاسی و رسانه‌ای کشور دست به دست می‌شود که با فروپاشی تفاهم اسلام‌آباد و بازگشت محاصره دریایی، صادرات نفت ایران صفر شده است. این جمله در نگاه نخست ساده به نظر می‌رسد. یا نفت فروخته می‌شود یا نمی‌شود. اما بازار نفت چنین دوگانه‌ای ندارد؛ میان تولید، بارگیری، خروج محموله، تحویل به خریدار، فروش نفت ذخیره شده روی آب و وصول ارز حاصل از آن فاصله وجود دارد.

واقعیت آن است که بحث امروز نفت ایران را نباید با یک کلمه «صفر» تمام کرد و از آن بهره‌های سیاسی برد، چراکه داده‌های مالی و گزارش‌های عملیاتی تصویری کاملاً متفاوت را ترسیم می‌کنند. تحقق فروش بسیار بالای نفت نسبت به پیش‌بینی بودجه ۱۴۰۵ و انتقال ۷٫۵ میلیارد دلار به بانک مرکزی، در کنار تداوم عرضه نفت از محل ذخایر شناور روی آب، نشان‌دهنده پویایی شبکه‌ای است که لزوماً در آمارهای رسمی و ردیابی‌های معمول ماهوارهای نمی‌گنجد.

■ **روایت صفر از کجا آمد**

نخستین نکته این است که روایت «صفر» صرفاً محصول برداشت بعضی رسانه‌های داخلی نیست. چند وقت قبل عبدالناصر همتی، رئیس کل بانک مرکزی، در یک گفت‌وگوی تلویزیونی گفت صادرات نفت کشور عملاً به صفر رسیده است. این سخن در رسانه‌های خارجی نیز بازتاب گسترده‌ای یافت و به یکی از مهم‌ترین نشانه‌های فشار اقتصادی بر ایران تبدیل شد.

در طرف آمریکایی نیز همین تصویر به بخشی از ادبیات فشار اقتصادی تبدیل شده است. اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری آمریکا، در چارچوب سیاست موسوم به «Operation Economic Outcast»، تلاش واشنگتن برای قطع مسیرهای مالی و تجاری ایران را با محاصره دریایی پیوند زد و در پیامی نوشت: «آمریکا ۱۳۰ میلیون بشکه را طی ۱۴ روز عبور داده ایران: صفر». همچنین بعضی رسانه‌ها نیز این تعبیر را تیتیر کردند که نفت ایران به صفر رسیده است. این ادبیات، نفت را به یکی از شاخص‌های موفقیت محاصره تبدیل می‌کند.

اما یک تفاوت مهم در این میان گم شده است: صفر شدن عبور نفت تازه از یک مسیر، با صفر شدن فروش نفت ایران یکی نیست حتی گزارشی که رویترز در این باره منتشر کرده است و از محاصره آمریکا در متوقف کردن جریان نفت ایران سخن می‌گوید، تصریح می‌کند نفت ایران همچنان از ذخایر شناور در آسیا به مشتریان عرضه می‌شود. بر اساس داده‌های کپلر، ورتکسا و تاکر ترکز، از زمان محاصره مجدد آمریکا پس از برهم خوردن تفاهم اسلام‌آباد، محموله تازه‌ای از نفت ایران از هرمز به مقصد چین عبور نکرده است. این گزارش اما هم‌زمان می‌گوید نفت ایران هنوز برای تحویل به چین عرضه می‌شود و بخش مهمی از آن در ذخایر شناور قرار دارد.

بنابراین اگر بخواهیم دقیق سخن بگوییم، فعلاً آنچه با اتکا به داده‌های رسمی منتشر می‌شود عبارت است از اینکه مسیر اصلی انتقال محموله‌های تازه نفت ایران مختل شده ولی فروش نفت ایران به صفر نرسیده است و ایران همچنان از مسیرهای دیگر به فروش نفت ادامه می‌دهد.

■ **عددها چه می‌گویند**

داده‌های موسسه رصد نفتکش‌ها نیز گزاره «فروش نفت به صفر رسیده است» را تأیید نمی‌کنند. کپلر و ورتکسا برآورد کرده‌اند بارگیری نفت خام و میعانات ایران حدود ۴۰ هزار بشکه تا ۲۵۰ هزار بشکه در روز است. هرچند این ارقام در مقایسه با فروش پیش از جنگ چندان قابل مقایسه نیست اما گزاره عدم توان ایران در فروش نفت را رد می‌کنند. به‌علاوه که هنوز بسیاری از ظرفیت‌های ایران در فروش

نفت فعال نشده است و طی زمان به نظر می‌رسد راه‌های بیشتر و بهتری برای خروج نفت از خلیج فارس و فروش آن ایجاد شود. کپلر در گزارش اخیر خود اشاره کرده بود ذخیره شناور نفت در کل سامانه خلیج فارس پس از تخلیه بخشی از موجودی، همچنان حدود ۱۳۰ میلیون بشکه بوده است، هرچند موجودی شناور خارج از خلیج فارس نیز در حال کاهش بود.

همین نکته اهمیت زیادی دارد. نفتی که روی آب قرار گرفته «نفت بدون مشتری» نیست، بلکه بخشی از موجودی تجاری کشور است که می‌تواند در زمان مناسب به خریدار تحویل شود. البته باید دیگر ظرفیت‌ها بهتر و بیشتر فعال شوند. دیپلماسی اقتصادی و انرژی جهت ایجاد مسیر جدید فروش نفت، چه از طریق کریدورهای زمینی و چه از طریق خلیج فارس باید با جدیت بیشتری مورد توجه قرار گیرد.

■ **همه فروش نفت در آمار رسمی منعکس نمی‌شود**

یک نکته مهم وجود دارد که در برآورد میزان فروش نفت ایران نباید از آن غافل شد و آن اینکه هر بشکه نفتی که فروخته می‌شود، الزاماً در داده‌های رسمی و سامانه‌های ردیابی بین‌المللی ثبت نمی‌شود. شرکت‌هایی مانند کپلر، ورتکسا و دیگر مؤسسات ردیابی نفتکش‌ها، عمدتاً بر داده‌های مربوط به حرکت کشتی‌ها، بارگیری، مسیرهای دریایی و سیگنال‌های شناسایی تکیه دارند، بنابراین هر چه معامله و جابه‌جایی نفت از این مسیرها فاصله بگیرد، امکان مشاهده و ثبت آنها نیز کمتر می‌شود.

شبکه فروش نفت ایران طی سال‌های تحریم، به تدریج روش‌های متنوعی برای انتقال محموله‌ها پیدا کرده است. انتقال کشتی به کشتی یا STS(یکی از همین روش‌هاست. یعنی نفت از یک نفتکش به نفتکش دیگر منتقل می‌شود و کشتی دوم می‌تواند با مشخصات، پرچم یا مسیر متفاوت به حرکت خود ادامه دهد. در برخی موارد نیز محموله‌ها با

استفاده از نفتکش‌های متعلق به کشورهای دیگر در منطقه جابه‌جا می‌شوند. تغییر مسیر کشتی‌ها، خاموش کردن یا دستکاری سامانه‌های شناسایی و ترکیب چند شیوه حمل‌ونقل نیز می‌تواند ردیابی منشأ واقعی محموله را دشوارتر کند.

البته نباید از این نکته نتیجه گرفت که هر عددی خارج از داده‌های ردیابی را می‌توان به فروش نفت ایران نسبت داد. چنین برداشتی از نظر کارشناسی قابل دفاع نیست اما به همان اندازه، استفاده از داده‌های قابل ردیابی به‌عنوان معادل کل صادرات ایران نیز خطاست. داده‌های شرکت‌های ردیابی، این بخش از بازار را نشان می‌دهند که قابل مشاهده است نه لزوماً تمام معاملاتی که در شبکه پیچیده تجارت نفت ایران انجام می‌شود.

در واقع هر چه شبکه فروش غیرشفاف‌تر و مسیرها پیچیده‌تر شود، فاصله میان «آنچه قابل مشاهده است» و «آنچه واقعاً معامله می‌شود» بیشتر می‌شود، بنابراین ارزیابی وضعیت نفت ایران باید از کنار هم گذاشتن داده‌های ردیابی نفتکش‌ها، آمار تولید و صادرات، اطلاعات بودجه‌ای، درآمد‌های وصول شده و شواهد تجاری انجام شود. تکیه بر یک شاخص واحد بویژه در شرایط محاصره و تحریم، می‌تواند تصویری ناقص از توان واقعی کشور ارائه کند.

■ **حساب نفتی ۴ ماه نخست**

یکی از مهم‌ترین داده‌هایی که برای فهم شرایط باید کنار آمار حمل‌ونقل دریایی قرار گیرد، عملکرد درآمدی نفت در ماه‌های نخست سال ۱۴۰۵ است. بر اساس اطلاعات و داده‌های موجود، چیزی حدود ۸۵ درصد درآمدها نفتی پیش‌بینی شده در بودجه امسال، در ۴ ماه اول سال محقق شده است. همچنین بر اساس گزارشی دیگر که اواخر مرداد منتشر شد، طی ماه‌های نخست سال ۱۴۰۵ حدود ۷٫۵ میلیارد دلار درآمد نفتی به بانک مرکزی منتقل شده که این

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر(عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۹۲
تلفن: ۶۶۴۱۳۷۸۲
نمابر: ۶۶۴۱۴۱۳۷
پایمرسان: vatanimrooz@
پست الکترونیک: info@vatanimrooz.ir
توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰
چاپ: ایران کهن

است. ممکن است محموله‌ای هفته‌ها قبل از ایران حرکت کرده باشد و امروز به خریدار برسد یا پول آن در حال وصول باشد. این همان فاصله زمانی است که در تحلیل‌های سیاسی معمولاً دیده نمی‌شود.

■ **راهبرد ایران باید روی زمان متمرکز باشد**

در شرایط کنونی شاید مهم‌ترین دارایی اقتصادی ایران فقط بشکه نفت نباشد، بلکه مهم‌ترین کالای استراتژیک زمان است. ذخایر نفتی روی آب، فروش به خریداران موجود، امکان استفاده از شبکه‌های تجاری و مالی غیرغربی، درآمدهایی که هنوز در فرآیند وصول قرار دارند و امکان استفاده از منابع ارزی موجود در کشورهای همسو، همه به کشور زمان می‌دهند.

در همین زمینه گزارش‌های مربوط به منابع ایران در چین و عراق نیز اهمیت پیدا می‌کنند. حتی اگر بخشی از درآمد نفتی به دلیل محدودیت‌های بانکی بلافاصله در دسترس نباشد، فعال کردن روی آب، فروش به خریداران موجود، استفاده از شبکه‌های تجاری و مالی غیرغربی، درآمدهایی که هنوز در فرآیند وصول قرار دارند و امکان استفاده از منابع ارزی موجود در کشورهای همسو، همه به کشور زمان می‌دهند.

■ **جمع‌بندی**

تحلیل واقع‌بینانه از وضعیت تجارت انرژی کشور نشان می‌دهد نباید پیچیدگی‌های بازار نفت را به کلیدواژه «صفر» تقلیل داد و از آن بهره‌برداری سیاسی کرد. ادعای توقف کامل صادرات نفت بیش از آنکه یک واقعیت فنی باشد، یک روایت رسانه‌ای است که تفاوت میان «بارگیری محموله‌های جدید» و «فروش کل» را نادیده می‌گیرد. واقعیت این است که چرخه فروش نفت شامل مراحل متعددی از تولید و ذخیره‌سازی روی آب تا تحویل به مشتری و وصول ارز است. لذا حتی در صورت محدود شدن عبور نفتکش‌های جدید از مسیرهای سنتی، جریان فروش ایران به دلیل وجود ذخایر استراتژیک و مسیرهای جایگزین، هرگز قطع نشده است.

داده‌های رسمی و آمارهای بودجه‌ای، باطل‌کننده فرضیه فروپاشی درآمدهای نفتی هستند. تحقق حدود ۷٫۵ میلیارد دلار درآمد نفتی و انتقال آن به بانک مرکزی در ماه‌های نخست سال ۱۴۰۵، که معادل بیش از رقم پیش‌بینی شده در بودجه امسال است، نشان‌دهنده پویایی این بخش در سخت‌ترین شرایط تحریمی و نظامی است. علاوه بر این، وجود بیش از ۱۳۰ میلیون بشکه نفت ذخیره‌شده روی آب به عنوان یک ضربه‌گیر استراتژیک عمل کرده و گزارش‌های مؤسسات بین‌المللی نظیر کپلر و ورتکسا نیز تأیید می‌کنند که نفت ایران همچنان در بازارهای جهانی، بویژه در آسیا، عرضه‌شده و دست مشتریان می‌رسد. باید توجه داشت که بخش قابل توجهی از شبکه فروش نفت ایران به دلیل استفاده از روش‌های غیرشفاف مانند انتقال کشتی به کشتی و تغییر مسیرهای ناوبری، در آمارهای رسمی و ردیابی‌های معمول ماهوارهای منعکس نمی‌شود. در شرایط فعلی، اولویت کشور باید عبور از آمارهای نمایشی دشمن و تمرکز بر «خرد زمان» از طریق تنوع‌بخشی به مصادی صادراتی و تقویت دیپلماسی انرژی باشد. تبدیل راهکارهای اضطراری دور زدن تحریم به سیاست‌های دائمی و توسعه کریدورهای جدید، تضمین‌کننده این واقعیت است که تجارت نفت ایران با تکیه بر شبکه پیچیده و منعطف خود، فراتر از بی‌بسته‌های ادعایی به حرکت خود ادامه می‌دهد.

داری تماشاایی استقلال – پرسپولیس با نتیجه ۱ – ۱ به پایان رسید

تساوی داغ



یكدیگر، محبی که قصد داشت با سرگی یف یک و دو کند، پس از برخورد توپ به پای آشورماتف، صاحب توپ شد و ضربه نرم زمینی‌ای را رونه دروازه فرعباسی کرد که توپ او با وجود آنکه از شدتی برخوردار نبود، وارد دروازه شد و به گل نخست بازی تبدیل شد.

پکن در قاب واقعیت

وابستگی به غرب با وابستگی به شرقی باشد و تاکنون نیز این چنین نبوده است. شعار «نه شرقی، نه غربی» در شرایط تاریخی انقلاب، نفی سلطه‌پذیری و دفاع از استقلال تصمیم‌گیری ایران بود، نه فرمان انزوا یا منع همکاری با قدرت‌های غیرغربی. جمهوری اسلامی ثابت کرده در عمل می‌تواند مستقل باشد و در همان حال با کشورهایی که با یک‌جانبه‌گرایی آمریکا، تحریم‌های فراسرزمینی و نظام ناعادلانه جهانی مخالفت می‌کنند، همکاری راهبردی داشته باشد. استقلال به معنای فاصله مساوی و مکانیکی از همه قدرت‌ها نیست؛ استقلال یعنی تهران بر اساس منافع ملی و ارزش‌های خود تصمیم بگیرد و اجازه ندهد واشنگتن حدود روابط خارجی ایران را تعیین کند.

بخشی از بدفهمی موجود درباره چین ناشی از غرب‌محوری پنهان در میان برخی نخبگان ایرانی است. این گروه حتی هنگامی که از سیاست‌های آمریکا انتقاد می‌کنند، همچنان رفتار همه کشورها را با الگوی غربی می‌سنجند. اگر چنین حمایت نظامی آشکار نکند، انتلاف جنگی نسازد و وارد منازعه مستقیم نشود، آن را منفعل می‌خواند اما حضور نظامی مخالفت با آمریکا، تحمیل قراردادهای امنیتی و مداخله در امور داخلی کشورها را نشانه تعهد راهبردی تلقی می‌کند. در این نگاه، استعمار نظامی به عنوان حمایت و استقلال عمل به عنوان بی‌عملی بازنمایی می‌شود. نوع دیگری از خطا نیز در میان برخی حامیان رابطه با چین

استقلال بلافاصله واکنش نشان داد و حملات پی در پی بر دروازه حریف تدارک دید تا سرانجام توسط یاسر آسانی، کاپیتان تیم ملی ایرانی و بهترین بازیکن خود در ۲ فصل اخیر، دروازه سیدپایم نیازمند را گشود.

دقیقه ۱۰ پس از گل پرسپولیس، محمدحسین اسلامی تنها تانیه‌هایی پس از ورود به زمین به عنوان بازیکن جانشین، در نخستین لمس توپش، از سمت چپ به دفاع پرسپولیس زد و توپ را در سمت راست خط حمله استقلال به آسانی رساند. وینگر البانیایی استقلال هم پس از یک کنترل دیدنی، با ضربه پرقدرت پای راست (پای غیر تخصصی‌اش) موفق شد گل تساوی استقلال را به زیبایی‌ای هر چه تمام‌تر به ثمر برساند.

۳ دقیقه پیش از این گل، آسانی دقیقه ۵۷ در موقعیتی مناسب، دیرک عمودی دروازه پرسپولیس را به لرزه درآورد بود.



ادامه از صفحه اول

میزان اجرای توافق‌ها، حجم سرمایه‌گذاری چین، انتقال فناوری، همکاری بانکی و سرعت پیشرفت طرح‌های مشترک قابل بحث است.

ضمن آنکه چین نیز هم‌زمان با ایران، با دیدگاه‌های متفاوتی با سعودی، امارات، دیگر کشورهای خلیج فارس و حتی تل‌آویو دارد. پکن در سیاست منطقه‌ای خود صرفاً از زاویه تهران به غرب آسیا نگاه نمی‌کند اما منتقدان روابط ایران و چین به نادرستی چنین انتظاری دارند و از این زاویه تحلیل‌های خود را ارائه می‌کنند.

در جریان جنگ جاری نیز مقامات رسمی چین پس از آغاز حملات آمریکا و رژیم اشغالگر قدس، این اقدامات را محکوم و بر ضرورت احترام به حاکمیت، امنیت و تمامیت ارضی ایران تأکید کرده‌اند. نماینده چین در شورای امنیت نیز استفاده از زور علیه ایران، هدف قرار گرفتن غیرنظامیان و تعرض به حاکمیت کشورها را مغایر منشور ملل متحد دانسته است. وانگ یی، وزیر خارجه چین بارها اعلام کرده پکن از تهران در دفاع از حاکمیت، امنیت، تمامیت ارضی، عزت ملی و حقوق مشروع خود حمایت می‌کند و دولت چین در عمل هم سطوح همکاری سازنده‌ای را از خود نشان داده است.

نبود مداخله مستقیم نظامی چین را به معنای بی‌ارزش بودن تمام همکاری‌های اقتصادی، دیپلماتیک و راهبردی ۲ کشور معرفی می‌کنند، زیرا رابطه راهبردی را با معیار اتحادهای نظامی غرب می‌سنجند. در مواردی نیز جنگ به فرصتی برای تسویه‌حساب سیاسی با دولت‌ها، نهادهای با جریان‌های حامی توسعه روابط با چین تبدیل می‌شود. برخی انتقادها حاصل انتظارات غیرواقع‌بینانه از چین، اطلاع ناکافی از ماهیت سیاست خارجی پکن یا نارضایتی موجه از کندی اجرای توافق‌ها و نامتوازن بودن روابط ۲ کشور است.

در سلسج جنگ شناختی نیز برجسته کردن «تنهایی ایران» با هدف تضعیف اعتماد عمومی، تشدید شکاف‌های داخلی و القای بی‌فایده بودن مقاومت دنبال می‌شود. اگر جامعه باور کند ایران هیچ شریک مؤثری ندارد، فشار روانی برای عقب‌نشینی سیاسی افزایش و قدرت چانه‌زنی کشور کاهش می‌یابد.

آنچه روشن است این است که تقویت رابطه با چین، ظرفیت ایران را برای مقاومت در برابر تحریم، حفظ استقلال، توسعه اقتصادی و مقابله با نظم یک‌جانبه‌گرایانه آمریکا افزایش می‌دهد. تخریب این رابطه در میانه جنگ و فشار حداکثری، خواسته یا ناخواسته، به محدود شدن گزینه‌های راهبردی ایران و تقویت همان نظمی کمک می‌کند که جمهوری اسلامی بیش از ۴ دهه در برابر آن ایستاده است.